

سیره امام کاظم(ع) در عمل و گفتار مبارزه با ظلم بود

امام موسی کاظم(ع) همواره می‌خواست روح مبارزه با ظلم و ستم و یاد قیامی که جدش امام حسین (ع) در برابر ظلم و جور زمانه داشت، در جامعه زنده باشد.



امام موسی کاظم(ع) همواره می‌خواست روح مبارزه با ظلم و ستم و یاد قیامی که جدش امام حسین (ع) در برابر ظلم و جور زمانه داشت، در جامعه زنده باشد.

خبرگزاری مهر، گروه دین و آئین، فاطمه ضیافتی فرامرزی: امروز سالروز شهادت جانشین امام موسی کاظم (ع) است. نفوذ معنوی، تفوق روحی، تبار والا، علم وافر، فضیلت بیکران، شخصیت ممتاز، تقوا و فضیلت و مقام معنوی ارزنده امام (ع)، همه و همه صفات ویژه ای بودند که سردمداران خلافت عباسی از آن نصیبی نداشتند و این نوع برجستگی ها هر کدام می‌توانست موجب تحقیر شخصیت پوشالی هارون گردد و او می‌خواست با حبس و بازداشت امام عقده‌ها و حقارت‌های خود را جبران نماید و التیام بخشد غافل از آنکه این نوع شکنجه‌ها روز به روز بر مقبولیت و محبوبیت امام می‌افزود و عامل شکست خلافت عباسی می‌شد و سقوط هارون را فراهم می‌ساخت.

هارون و دیگر ستمگران نمی‌توانستند درک کنند که شهادت در راه خدا و ایثار خون در راه پیشرفت آرمان‌های والای اسلامی عالی‌ترین هدف مردان خدا است. اگر دیگران با لیت و لعل و با آرزو و امید در عشق به شهادت زندگی می‌کنند آنان در متن برنامه زندگی روزانه خود شهادت را گنجانده‌اند و افتخار می‌کنند که شهادت نصیب آنان گردد چون شهادت آنان به عنوان الگو، جانبازی و نثار خون را بر دیگر رهروان حقیقت و عدالت‌گوارا و مطبوع می‌سازد و شهد پر ارزش آن را در کام آنان شیرین‌تر و گوارا تر می‌سازد.

در تاریخ از دوران زندگانی امام موسی کاظم (ع) هفتمین امام شیعیان روایات و نقل‌های فراوانی وجود دارد اما یکی از مقاطعی که در حیات مبارک آن حضرت برجسته است دوران حبس و زندانی شدن آن امام همام به دست خلفای عباسی و دوری از شیعیان در شرایط مختلف و عدم حضور فیزیکی طی چند سال در جامعه بود؛ با این وجود اما حضرت به طرق مختلفی ارتباط خود را با مردم حفظ کردند؛ چه از طریق وکلا و چه با پیام‌ها و ارتباطات ولو محدودی که وجود داشت.

ذکر این مساله اهمیت فراوانی دارد که امام موسی کاظم (ع) با وجود عدم برخورداری از امکانات و فضای مناسب، توانستند بسیاری از معارف را در جامعه نشر دهند. حلم و بردباری، کظم غیظ و برآوردن نیازها و حاجات مردم، سبب شد تا آن حضرت به «باب الحوائج» مشهور شود.

بر آن شدیم در سالروز شهادت هفتمین اختر آسمان امامت و ولایت، با حجت‌الاسلام و المسلمین قاسم ترخان عضو هیأت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به گفتگو بنشینیم و سیره آن امام همام در برخورد با مردم، هدایت جامعه و روش‌های ترویج دین در جامعه را بررسی کنیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید:

*با توجه به اینکه بخشی از دوران حیات امام موسی کاظم (ع) در زندان و حبس سپری شد، آن حضرت چگونه با شیعیان در ارتباط بودند؟

بر خلاف باور برخی که تصور می‌کنند بخش عمده‌ای از زندگانی آن حضرت در زندان گذشته است باید بگوییم که اینگونه نبود و آن امام همام چندین سال زندان بودند گرچه که از کسانی بودند که بسیار سختی کشیدند و هیچیک از ائمه هدی به اندازه آن حضرت در زندان نبود. آن‌طور که تحقیقات نشان می‌دهد امام موسی کاظم (ع) بین چهار تا پنج و نهایتاً تا شش سال در زندان بوده‌اند، یقیناً ایشان در زمان «مهدی عباسی» یک سال و در دوران هارون الرشید مدت طولانی‌تری در حبس و زندانی بود.

آن امام همام زمانی که به شهادت رسید ۵۵ سال سن داشت، ۳۵ سال از این مدت دوران امامت حضرت را تشکیل می‌دهد و چهار تن از خلفای عباسی مقارن با حیات آن حضرت بودند؛ این خلفا به ویژه هارون نقش ویژه‌ای در سرکوب شیعیان و علویان داشتند؛ البته اوایل دوران خلفای عباسی آنها از نام و محبوبیت امام از یک سو و بحث خون‌خواهی از سیدالشهدا (ع) بهره و سود جستند اما زمانی که حکومت‌شان تثبیت شد به این فکر افتادند که با رقبای خود به گونه‌ای تسویه حساب کنند تا مانعی برای حکومت‌شان ایجاد نشود، بنابراین هر مقدار که به زمان تثبیت خلافتی بنی‌عباس به ویژه هارون نزدیک تر می‌شویم،

فشارها بر اهل بیت (ع) بیشتر می شد به ویژه امام کاظم (ع) که مسئولیت رهبری شیعیان و هدایت جامعه مسلمین را برعهده داشت.

حتی اگر به دورانی که حضرت در زندان حضور داشت توجه کنیم متوجه می شویم که با وجود شرایط خاصی که حکم فرما بود باز هم جامعه اسلامی و شیعی را مدیریت می کردند؛ در رابطه با چگونگی این مدیریت لازم است تا به چند نکته توجه کنیم. نخست آنکه امام موسی کاظم (ع) زمانی که زندان نبود شاگردانی را تربیت و با این شاگردان چه در دوران زندان و چه زمانی که در زندان نبودند در راستای نیل به اهداف جامعه اسلامی گام برداشت و خلأ حضور خود در جامعه را به شکل دیگری پر کردند، شاگردانی نظیر «یونس بن عبدالرحمان»، «صفوان بن یحیی»، «محمد بن مفضل بن عمر» و «...» که هرکدام عناصر تأثیرگذاری در جامعه اسلامی بودند.

این افراد جز ارادتمندان و شاگردان برجسته ایشان بودند. امام موسی کاظم (ع) حتی در دورانی که در زندان بود با برخی از این شاگردان مکاتباتی داشت.

امام موسی کاظم (ع) زمانی که زندان نبود شاگردانی را تربیت و با این شاگردان چه در دوران زندان و چه زمانی که در زندان نبودند در راستای نیل به اهداف جامعه اسلامی گام برداشت و خلأ حضور خود در جامعه را به شکل دیگری پر کردند.

نکته دوم اینکه امام موسی کاظم (ع) در نوع رفتار و آموزش به مردم از روش های مختلفی استفاده می کرد. توجه به این داستان مناسب است: فردی به نام «صفوان» شترهای خود را به هارون جهت سفری که می خواست به مکه برود اجاره داد. امام موسی کاظم (ع) به آن مرد فرمود: چرا شترهایت را به این مرد ظالم ستمگر کرایه دادی؟ او پاسخ داد: من که به او کرایه دادم، برای سفر معصیت نبود. چون سفر، سفر حج و سفر طاعت بود کرایه دادم وگرنه کرایه نمی دادم. امام به صفوان فرمود: آیا پول هایت را گرفته ای یا خیر؟ کرایه هایت مانده یا نه؟ او گفت: بله، مانده. فرمود: به دل خودت یک مراجعه ای بکن، الان که شترهایت را به او کرایه داده ای، آیا ته دلت علاقه مند است که حداقل هارون این قدر در دنیا زنده بماند که برگردد و پس کرایه تو را بدهد؟ گفت: بله. فرمود: تو همین مقدار راضی به بقای ظالم هستی و همین گناه است. صفوان بیرون آمد. او سوابق زیادی با هارون داشت. یک وقت خبردار شدند که صفوان تمام این کاروان را یکجا فروخته است. بعد که فروخت گفت: ما این قرارداد را فسخ می کنیم چون من دیگر بعد از این نمی خواهم این کار را بکنم.

بنابراین امام موسی کاظم (ع) با نوع رفتار و رویکردش در مسائل مختلف، به شیعیان کار درست را نشان می داد.

در این بین افرادی بودند که می توانستند در دستگاه خلافت نفوذ کنند. اینان با اذن امام وارد دستگاه خلافت شدند و توانستند منشأ خدماتی به جامعه اسلامی خصوصاً شیعی باشند.

* این افراد چه کسانی بودند و اساساً حضور آنها در چه عرصه هایی تأثیرگذار بود؟

«علی بن یقین» را می توانیم از جمله این افراد مؤثر بدانیم. او از وزیران حکومت عباسی بود و امام موسی کاظم (ع) وی را به تقیه سفارش می فرمود. برای مثال در برخی موارد که امکان داشت وی به خطر بیافتد امام (ع) سفارش کرد مانند دیگران و ساکنان دربار عباسیان وضو بگیرد تا کسی متوجه شیعه بودن وی نشود.

این مرد از ارادتمندان حضرت بود و امام وظایفی را بر عهده وی گذاشته بود، نخست آنکه سیاست های حاکمان جور را به امام گزارش داده و از سوی دیگر از احوال شیعیان محبوس آن حضرت را مطلع سازد و دستگیر شیعیان باشد. او کمک حال بسیاری از افراد دربند بود و این کار از ماموریت هایش بود. این مرد گرچه که در دستگاه خلافت فعالیت می کرد اما در ظلم هایی که می شد شریک نبود و محب و مورد اعتماد اهل بیت به شمار می رفت و سعی داشت تا مشکلات جامعه شیعی و مسلمانان را حل کند. نکته دیگر این است که امام از شبکه وکالت استفاده می کردند. این شبکه در زمانی که امام در زندان بودند نقش مهمی را ایفا می کردند.

* درباره این شبکه وکالت توضیح دهید، امام چگونه در این دوران از آن استفاده می کرد، آیا وکلا در این دوران امکان فعالیت داشتند؟

شبکه وکالت قبل از امام موسی کاظم (ع) پی ریزی شده بود. حضرت عده ای را در شهرهای مختلف به عنوان وکیل منصوب کرده بودند و به مردم نیز اعلام شده بود که اگر کسی مشکلی داشت و یا با سوال شرعی مواجه بود به این افراد مراجعه کند. فلسفه این کار هم این بود که عملاً امکان ارتباط رو در رو و مستقیم حضرت با شیعیان فراهم نبود.

علاوه بر این مأموریت ائمه (ع) هدایت بشر به سوی خداوند است تا از منجلاب گمراهی نجات یابند. بنابراین امام به تناسب شرایط در راستای تحقق این هدف تلاش می کند. امام کاظم (ع) در هر وضعیتی این مأموریت خود را انجام می دهد، لذا مشاهده می کنیم که زندانیان حضرت هم تحت تأثیر قرار می گیرند و مجذوب اخلاق آن حضرت می شوند.

*زمانی که امام (ع) در اسارت نبودند از چه روش هایی برای دعوت مردم به دین و معارف اسلام بهره می جست؟

امام با توجه دادن مردم به مسئله امامت، زنده نگه داشتن نماد مبارزه با ظلم و طاغوت و تبیین احکام و معارف اسلام و مبارزه با انحرافات و همچنین حفظ شیعیان با استفاده از موضوع تقيه و hellip& به این کار اقدام کردند.

برای هر یک از موارد فوق اشاره به نمونه ای مناسب است:

روزی «مهدی عباسی» نشست به ادعا می کرد اگر ظلمی بر کسی رفته است بیاید تا ما احقاق حق کنیم، امام از این فرصت استفاده کرده و ماجرای فدک را مطرح کرد، خلیفه گفت: محدوده فدک چه قدر است؟ امام پاسخ داد و طبق پاسخ آن حضرت کل محدوده خلافت بنی عباس شامل محدوده فدک می شد، البته این پاسخ معنا داشت به این معنا که فدک صرفاً زمین نیست بلکه سمبل و نماد حقانیت اهل بیت است و جایی که اکنون شما به عنوان خلیفه بر آن تکیه زدید غاصبانه است، وقتی مهدی عباسی حدود فدک را شنید چه باید می کرد؟ اگر قبول می کرد به معنای واگذاری حکومت به حضرت بود. به هر حال این گفتگو روشی بود که امام به کار برد تا جامعه را روشن سازد.

ایشان در موارد متعددی تلاش می کردند که نهضت امام حسین (ع) به فراموشی سپرده نشود، برای مثال در روایات آمده است که «منصور دوانیقی» امام را مجبور کرد که در مجلسی حضور یافته و هدایا را بپذیرند. یک نفر آمد و گفت: ای فرزند رسول خدا، من از مال دنیا چیزی ندارم که هدیه کنم اما سه بیت شعر در رثای جد شما سرودم و می خواهم آن را بخوانم، حضرت اجازه داد و بعد از آنکه مرد اشعار خود را خواند امام کاظم (ع) تمامی هدایا را به آن مرد دادند و این رویکرد حضرت یک پیام داشت، یعنی امام همواره می خواست روح مبارزه با ظلم و ستم و یاد قیامی که جدش امام حسین (ع) در برابر ظلم و جور زمانه داشت، در جامعه زنده باشد.

یکبار «مهدی عباسی» در رابطه حرمت شراب مطلبی را گفت بر این مبنا که در این مورد هیچ مسأله ای در قرآن نیامده است، امام با استدلال قرآنی خلاف این مسأله را ثابت کرد. حضرت با اشاره به آیه ۳۳ سوره «اعراف» که می فرماید: «قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (بگو پروردگار من فقط زشتکاری ها را چه آشکارش [باشد] و چه پنهان و گناه و ستم ناحق را حرام گردانیده است و [نیز] اینکه چیزی را شریک خدا سازید که دلیلی بر [حقانیت] آن نازل نکرده و اینکه چیزی را که نمی دانید به خدا نسبت دهید)، همچنین حضرت با اشاره به آیه ۲۱۹ سوره «بقره» که می فرماید: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَتَاعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ بَيَّنَّ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (درباره شراب و قمار از تو می پرسند بگو در آن دوگناهی بزرگ و سودهایی برای مردم است و گناهشان از سودشان بزرگ تر است و از تو می پرسند چه چیزی انفاق کنند بگو مازاد [بر نیازمندی خود] را این گونه خداوند آیات [خود را] برای شما روشن می گرداند باشد که ببینیدشید).

پس از اشاره امام کاظم به این آیات، مهدی عباسی بی اختیار گفت: به خداوند سوگند که این فتوا، فتوای هاشمی است.

ماجرای دیگری که در این مجال مایلیم به آن اشاره داشته باشیم، موضوع تقيه بود. گرچه که امام موسی کاظم (ع) با دستگاه خلافت مخالف بودند اما کسی را ترغیب به قیام نکردند. جریان شهید فخر (حسین بن علی) مفصل است. امام کاظم (ع) با اینکه وی را مورد تأیید قرار دادند اما همواره او را سفارش کردند که بسیاری در ظاهر همراه تو هستند اما باطناً مخالف هستند. او که از علویان و همانام با امام حسین (ع) در جریان قیام در منطقه ای به نام فخر به شهادت رسید و به همین دلیل به شهید فخر معروف شد.

نکته این بود که امام موسی کاظم (ع) به دنبال حفظ حداکثری شیعیان بودند. از تقيه برای حفظ آنان استفاده می کردند.

*بیشتر فرزندان امام موسی کاظم (ع) به دلیل اختناق شدیدی که وجود داشت به ایران مهاجرت کردند. این مهاجرت چه تأثیری در جامعه ایران بر جای گذاشت؟

قول مشهور آن است که امام موسی کاظم (ع) ۳۷ فرزند دختر و پسر داشتند. از شاخص ترین آنها امام رضا (ع) است که خود

امام است و همچنین خواهر بزرگوار ایشان حضرت معصومه (س). حضرت احمد بن موسی (ع) نیز از آن جمله است.

این مهاجرت تأثیر فراوانی داشت و موجب غلبه رویکرد شیعی در ایران شد، به بیان دیگر شیعه شدن ما مرهون حضور این امامزادگان در ایران است. همه ما سر سفره موسی بن جعفر نشستیم ایم و معارف ائمه اطهار (ع) به وسیله این بزرگواران در ایران نشر یافت، چه آنکه بسیاری از حوزه های علمیه و مساجد حول بارگاه مطهر آنان شکل گرفت.